

قتل مرد شیطان صفت در نقشه خانوادگی زن



کرد. قضات دادگاه پس از رسیدگی به پرونده، حنیف را دوباره به قضات شعبه دهم دادگاه کیفری، حکم ۱۵ سال حبس زن جوان را قصاص محکوم کردند. شایان هم به ۱۵ سال زندان محکوم شد. به ۱۰ سال کاهش دادند.

به آنها گفتیم که من علاقه‌ای به ارتباط با مهران ندارم و او پیام می‌دهد. از من خواستند با او قرار بگذارم و من هم همین کار را کردم. نمی‌دانستم نقشه قتل او را طراحی کرده‌اند.»

در ادامه همسر و برادر این زن دستگیر شدند. شایان، همسر زن جوان در تحقیقات گفت: «روز حادثه وقتی سوار خودروی مقتول شدم، با تهدید دستانتان را با دستبند پلاستیکی بستیم و او را در زندلی عقب ماشینش انداختیم. چند ساعتی گروگان ما بود تا این که برادر زنم به نام حنیف داخل ماشین به مقتول هر وین تزیق کرد. او بدحال شده بود که تصمیم گرفتم رهايش كنيم تا رهاگذران او را به بیمارستان برسانند. با خود گفتیم که او تنبیه شده و دیگر مزاحم همسر نمی‌شود. به همین دلیل مرد جوان بدحال را داخل پتویی پیچیده و در پارک رهايش كرديم. او زنده بود اما زمانی که رهايش كرديم و می‌خواستیم محل را ترک کنیم برادر زنم از من خواست کمی صبر کنم. او دوباره پیاپی شد و به سمت پارک رفت و دقایقی بعد با چاقو و دستان خون‌آلود برگشت.»

در ادامه برادر زن جوان به قتل اعتراف کرد و گفت: «با چاقو به مهران

گروه حوادث - همسر و برادر یک زن که به علت توطئه خانوادگی مرد راننده‌ای به قتل رسانده بودند در دادگاه کیفری تهران به قصاص و زندان محکوم شدند.

تحقیقات جنایی این پرونده از تیرماه سال ۱۴۰۰ و با گزارش ناپدید شدن مرد ۲۷ ساله‌ای در پلیس آگاهی تهران آغاز شد. این مرد برای انجام کاری به شهر پرنده رفته و آخرین بار در تماس با خانواده‌اش اعلام کرده بود به زودی به خانه برمی‌گردد و بعد از آن تلفن همراهش خاموش شده بود. یک روز بعد از ناپدید شدن مرد جوان به نام مهران، جسد او در جنوب شرق تهران در میان پتویی پیدا شد که به نظر می‌رسید با ضربه چاقو به قتل رسیده است. تحقیقات پلیسی برای راز گشایی از این جنایت آغاز و ماموران ردپای زنی را در ماجرا به دست آوردند که او دستگیر و در تحقیقات راز قتل مهران را فاش کرد.

او به ماموران گفت: «چندی قبل به عنوان مسافر سوار ماشین مهران شدم و با او درددل کردم. از آنجا ارتباط ما مشکل گرفت و گاهی صحبت می‌کردیم تا این که همسر و برادرم به موضوع شک کردند.

پسر جوان همه اعضای خانواده‌اش را در آتش سوزاند!



خوبی با ناپسری‌اش داشت و مشکلی با او نداشت.»

سرهنگ موسی بهاری، فرمانده انتظامی بوکان هم در این باره گفت: «دو شنبه هفته جاری خبری از قتل خانواده‌ای بوکانی به پلیس رسید که بلافاصله کارآگاهان مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی در محل حاضر شدند و مشاهده کردند یک خانواده در آتش سوخته و جان باخته‌اند. از لحظه حضور ماموران در محل جنایت، تیم تخصصی برای شناسایی و دستگیری قاتل و مشخص شدن ابعاد و علل این قتل تشکیل شد.

گروه حوادث - چند روز پیش خبر مرگ سه عضو یک خانواده در حادثه آتش سوزی روستای اختصار بوکان در رسانه‌ها منتشر شد.

رحیم جنگ او این نفری بود که به صحنه جنایت رسید و جسد عمو، زن عمو و دختر عموش را در میان آتش خانه باغ‌شان کشف کرد.

او از شب جنایت و انگیزه منتهی به قتل می‌گوید: «پسر عموم کمی خلق و خوی عصبی داشت، اما در مجموع آدم بدی نبود که دستم به چنین کاری بزند. طبق اعتراض، او شب جنایت به خانه باغ عموم رفت. چون خودش قادر در مان بود، معمولاً اگر مشکلی پیش می‌آمد اقدام به انجام برخی کارهای درماني مثل تزیق سرم می‌کرد. پدرش، چون ۷۰ سال داشت، آن شب به پسر عموم گفت کمی ناخوش است و برایش سرم تزیق کند تا بهتر شود.

زن عموم هم که نامادری او می‌شد، با شنیدن این جمله از پسر عموم خواست تا به او هم سرم تزیق کند. او نیز ۱۰ قرص دیازپام را در هر دو سرم مخلوط و آن را به پدر و نامادری‌اش تزیق کرد. در همین فاصله از زود دختر عموم برای آوردن نفت به طبقه پایین رفته بود تا آن را در بخاری نفتی بریزد. تا او بیاید، دیازپام ها اثر کرده و حال عمو و زن عموم وخیم شده بود.»

مدتی بعد از زود با دبه نفت به اتاق طبقه بالای خانه باغ‌شان آمد. وقتی وارد اتاق شد، چشمش به پدر و مادرش افتاد که با حالی بد بیهوش شده بودند. یک نگاه به برادر ناتنی‌اش انداخت و یک نگاه هم به پدر و مادرش به برادرش شک کرد بود که مبادا بلایی سر پدر و مادرش آورده باشد و برای همین با او باو درگیر شد: «این درگیری متأسفانه باعث شد پسر عموم با چاقو به آرزو ضربه بزند و او را به قتل برساند. او وقتی به صحنه جرم برگشت، آثار و علائم پشیمانی را در چشمانش می‌دیدم. البته او نزد من به قتل اعتراف نکرد، اما چون مشکلات و سابقه خانوادگی او را می‌دانستم، در وهله اول به او شک کردم که او مرتکب این جنایت شده باشد و متأسفانه این شک پس از اعتراف او به یقین تبدیل شد. او به شدت از کاری که انجام داده بود، پشیمان بود.»

ماموران در ساعات اولیه حضور در محل وقوع قتل، ضمن تحقیقات محسوس و نامحسوس از افراد مرتبط، از چند نفر نیز به صورت ویژه تحقیق کردند و یک نفر از افراد خانواده مقتولان در صحنه جنایت به عنوان مظنون دستگیر شد. مظنون ابتدا ارتکاب جنایت را انکار می‌کرد، اما پس از سه روز بازجویی و تحقیق فنی پلیسی، با رویه‌رو شدن با شواهد و مستندات، به قتل هر سه نفر اعتراف کرد و علت و انگیزه خود از این عمل فجیع را موضوعات مالی عنوان و طبق اظهارات منتهی، ابتدا قربانیان را به قتل رسانده و سپس اقدام به آتش سوزی با هدف از بین بردن شواهد و مدارک کرده است.»

۳ کودک در ماجرای سرقت مسلحانه از طلافروشی یتیم شدند!

سوابق این دو سارق نشان می‌داد که آنها یک سال قبل هم دست به سرقت مسلحانه از یک طلافروشی در پرنده زده بودند.

هادی ۴۳ ساله در تشریح ماجرا به مأموران گفت: ۲۰ سال قبل یک بار با یکی از دوستانم از یک طلافروشی ۳ کیلو طلا سرقت کردیم اما من ۲ کیلو از طلاها را مخفی کردم و به دروغ به دوستانم گفتم که طلاهای سرقتی یک کیلو بود. چند سالی در زندان بودم و وقتی آزاد شدم همان تمام شمس مدتی مامورم کار می‌کردم اما در آمدم خوب نبود و دوباره فکر سرقت به سرم زد و برای آنکه تنها نباشم موضوع را به پسر عموم گفتم و او هم پذیرفت.

سال قبل از یک طلافروشی در پرنده سرقت کردیم و طلاهای سرقتی را هم فروختیم و خوردیم و وقتی دیدیم پلیس نتوانست رد ما را پیدا کند و سوسه شدیم و سراغ طلافروشی خانی آباد رفتم که دستگیر شدیم.

وی درباره قتل مرد رهگذر گفت: بعد از سرقت طلاها خواستیم از مغازه خارج شویم که دیدیم چندین نفر بیرون مغازه ایستاده‌اند. شهرام به من گفت تیر اندازی کنیم تا مردم بترسند و فرار کنند. من هم چند تیر هوایی شلیک کردم اما وقتی برگشتم دیدم مردی از پشت شهرام را گرفته و مانع فرارش شده از ترسم چند گلوله به کتف و پای او زدم تا پسر عموم را رها کند.

پس از آن بهزاد همراه عابر دیگری که او نیز هدف گلوله قرار گرفته بود بلافاصله به بیمارستان منتقل شدند. مأموران پلیس نیز پس از تحویل گرفتن سارقان در بازرسی از آنها پیش از ۶ کیلو طلای سرقتی کشف کردند. روز بعد بهزاد به خاطر شلخت جراحات وارده و خونریزی داخلی فوت کرد.

در ادامه دو سارق مسلح به نام‌های هادی و شهرام که پسر عمو هستند تحت بازجویی قرار گرفتند و به سرقت و قتل اعتراف کردند.

نیازمندی‌ها تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

<p>مفقودی</p>	<p>خدمات</p>	<p>لوازم یدکی</p>	<p>استخدام</p>
<p>اصل کارت اشتغال به کار به نام سید بلال احمدی به شماره گذرنامه P03141670 و شماره پروانه کار ۲۴۶۲۷۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>تهیه لوازم یدکی خودرو شما در سریعترین زمان ۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸ جعفری</p>	<p>استخدام فروشنده جهت غرفه در ترمینال فرودگاه کیش تلفن تماس: ۰۹۳۳۷۶۹۵۱۹۳</p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۵۹۹۶۵/۰۱ به نام اکرم السادات مهدوی رشتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>حمل بار</p>	<p>خشکشویی</p>	<p>استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<p>تعمیرات کولر</p>	<p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با بیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ - ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ با مدیریت عسکری</p>	<p>استخدام نیروی خدماتی یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.</p>
<p>تعمیرات کولر - اسپیلت ۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸</p>	<p>خیاطی</p>	<p>درب اتوماتیک</p>	<p>درب های اتوماتیک</p>
<p>جاسم کریمی فوری - مطمئن</p>	<p>خیاطی حبیبی بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸</p>	<p>درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>	<p>درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>

صنایع چوب کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

حلاج کیش